

فصل اول:

تعریف مفاهیم و عوامل شکل گیری انقلابها

دسیر انقلاب اسلامی

استاد: داود ابراهیمی

## اهداف

- از دانشجویان انتظار می‌رود:
۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی انقلاب را توضیح دهند.
  ۲. پیشینه انقلاب و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک انقلاب را شرح دهند.
  ۳. تفاوت انقلاب را با دیگر پدیده‌های اجتماعی نظیر کودتا، اصلاحات و شورش بیان دارند.

## مقدمه

برای ورود به هر بحث می‌باید در آغاز به‌اختصار با مفاهیم و تعاریف مرتبط با آن بحث و مفاهیم مشابه با آن آشنا شویم. به همین منظور، پیش از پرداختن به بحث انقلاب اسلامی و مسائل مرتبط با آن لازم است تا به‌اجمال از مفاهیم مربوط به درس آگاه گردیم.

## الف) چیستی انقلاب<sup>۱</sup>

انقلاب از نظر واژگانی به‌معنای تغییر، تحول، برگشتگی و تبدیل و از نظر سیاسی به‌معنای اقدام عده‌ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. هر یک از نویسندگان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاه خود، درباره انقلاب توضیحاتی داده‌اند که به برخی از آنها اشاره

هانا آرنٹ، از نظریه پردازان انقلاب درباره پیشینه تاریخی این اصطلاح چنین می گوید:

کلمه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد. این واژه در کاربرد علمی، معنای دقیق لاتینی خود را که دال بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود، حفظ کرد.

در سده هفدهم واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰ م پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت. در معنای دیگر سیاسی، این کلمه درباره انتقال از عصر کشاورزی به دوره صنعتی - به ویژه در ممالک غربی - به کار می رود که در آنجا صنعتی شدن به همراه شهرنشینی حاصل از آن، بر آخرین مرحله توسعه این جوامع اثرات بسیار چشمگیری داشته است.<sup>۱</sup>

نظریه پردازان، هر یک بر مبنایی خاص تعاریف مختلفی از انقلاب به دست داده اند. برای نمونه، شهید مطهری انقلاب را این گونه تعریف می کند:

انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس ریشه های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب.<sup>۲</sup>

از نگاه شهید آیت الله سید محمدباقر صدر، انقلاب جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش های حاکم است.<sup>۳</sup>

۱. آرنٹ، انقلاب، ص ۳۶.

۲. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۳.

۳. جمشیدی، اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمدباقر صدر، ص ۱۲۰.

مروری بر سایر تعاریف اندیس‌سنجی ...  
معرفی انقلاب‌ها، بُعد ارزشی و مطلوبیت آرمان‌هاست. شاید تعریف انقلاب از بُعد جامعه‌شناسی جامعیت بیشتری دارد؛ زیرا به عمده‌ترین خصیصه‌های انقلاب که دارای ماهیتی اجتماعی است، اشاره می‌کند. در این باره می‌توان به تعریف ساموئل هانتینگتون اشاره نمود:

انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است.<sup>۱</sup>

این تعریف از یک سو معیارهای یک انقلاب سیاسی - اجتماعی را مشخص و از سوی دیگر، انقلاب را از همه پدیده‌های مشابه متمایز می‌سازد. انقلاب بر این مبنای پدیده‌ای چون شورش‌های دهقانی، قیام‌های شهری، شورش‌های جدایی‌طلب ملی و مانند آن را دربر نمی‌گیرد. از سویی هانتینگتون با تأکید بر عنصر «خشونت»، انقلاب را از اصلاحات عمیق نیز جدا می‌انگارد و با اصرار بر عمیق بودن انقلاب، آن را از رویدادهای کم‌اهمیت‌تر تفکیک می‌کند.<sup>۲</sup>

در مجموع از تعاریفی که درباره انقلاب وجود دارد، می‌توان انقلاب را به معنای تغییر در ساختار حاکمیت و ساختارهای اجتماعی در نظر گرفت.

### ج) گونه‌های مختلف انقلاب

انقلاب‌ها را می‌توان به «انقلاب‌های سیاسی» و «انقلاب‌های اجتماعی» تقسیم نمود. انقلاب سیاسی، با تغییر ساختار سیاسی، بدون تغییر ساختارهای اجتماعی همراه است. به سخنی دیگر، این انقلاب‌ها ساختار حکومت را تغییر می‌دهند، نه ساختار اجتماعی را. اما انقلاب اجتماعی عبارت است از تغییر سریع و اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه که با حرکت و قیام عمومی مردم همراه است. برای نمونه، انقلاب اسلامی را می‌توان

1. Huntington, *Political Order in Changing Societies*, p. 264.



مهم به‌شمار می‌رود؛ چراکه تأثیرات بسیاری در سطوح داخلی و بین‌المللی برجای می‌نهد. انقلاب‌های اجتماعی تنها از حیث ملی اهمیت ندارند، بلکه اغلب موجب رشد الگوها، اندیشه‌ها و خواست‌های بزرگ بین‌المللی نیز می‌شوند؛ به‌ویژه اگر این تحولات در کشورهایی روی دهد که از نظر جغرافیای سیاسی مهم، از نظر غنای فرهنگی مشهور، و از نظر وسعت نیز پهناور باشند. بنابراین چون انقلاب‌های اجتماعی، هم در سطح داخلی اثرگذارند و هم در سطح بین‌المللی، مطالعه آنها اهمیتی درخور دارد.

آخرین انقلاب بزرگ اجتماعی در تاریخ جهان، انقلاب اسلامی ایران است و به همین رو پژوهشگران بسیاری به تفصیل بدان پرداخته‌اند. بنابراین چون انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب‌های اجتماعی است، از این پس مباحث مربوط به انقلاب اجتماعی را باز خواهیم گفت.

#### د) خصوصیات انقلاب‌ها

انقلاب‌های اجتماعی ویژگی‌هایی دارند که آنها را از دیگر تحولات سیاسی - اجتماعی متمایز می‌کند:

۱. انقلاب در روند خود باید چند مرحله را بگذراند:  
یک. براندازی؛  
دو. انتقال و جابه‌جایی قدرت؛  
سه. پاک‌سازی مهرده‌های اصلی حکومت قبلی؛  
چهار. تثبیت نظام جدید، سازندگی و تحقق آرمان‌های انقلاب.
۲. با وجود ناگهانی و سریع بودن وقوع انقلاب، روند شکل‌گیری آن نسبتاً طولانی است.
۳. در روند انقلاب، اصولاً اعمال زور و خشونت به‌گونه‌ای متقابل صورت می‌گیرد؛ زیرا نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می‌کنند.
۴. در انقلاب بخش عمده‌ای از جمعیت به‌شکلی مؤثر بسیج می‌شود.

است و هرچه ایدئولوژی قوی تر باشد، بسیج گروه‌ها نیز گسترده‌تر خواهد بود.

۶. تغییرات انقلاب، عمیق و زیربنایی بوده و ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های پیشین می‌گردد.<sup>۱</sup>

۷. وجود مستمر آگاهی به مفهوم ادراک و تحلیل آن، موجب پی‌ریزی «حرکت‌های مداومی» می‌گردد که به تدریج در طی مراحل انقلاب را به وجود می‌آورد.

#### ه) تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی

برخی از انواع تحولات اجتماعی از برخی وجوه با انقلاب مشابهت دارند. از این رو برای پرهیز از خلط مباحث و شناخت دقیق‌تر پدیده انقلاب، اشاره به تفاوت انقلاب با دیگر مفاهیم مشابه اجتماعی، ضروری می‌نماید.

#### یک. کودتا

کودتا اقدام معدودی از نیروهای نظامی با حمایت برخی نیروهای حاکم است که هدف از آن، رسیدن به قدرت و بی‌کناری حاکمی است که در رأس قدرت قرار دارد. با این تعریف، میان انقلاب و کودتا تفاوت‌هایی وجود دارد:

۱. کودتاچیان از پیکره قدرت حاکم برمی‌خیزند و پایگاه مردمی ندارند؛ درحالی‌که عنصر اصلی تشکیل‌دهنده انقلاب، خود مردم‌اند که در مقابل قدرت حاکم قرار دارند. کودتا در جوامعی روی می‌دهد که ارتش نقش ویژه‌ای در برابر ملت دارد، اما در جوامعی که انقلاب در آنها رخ می‌دهد، مردم نقش اول را عهده‌دارند.

۲. در کودتا ارزش‌ها و زیرساخت‌ها تغییر نمی‌یابد، بلکه در درون نظام، گروهی به جای هیئت حاکم می‌نشینند و حداکثر به لغو قوانین مخالف خود می‌پردازند. در کودتا ساختار نظام باقی است، اما اداره‌کننده آن تغییر می‌یابد.

۱. بنگرید به: دهقان، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۱ - ۱۸.

شروع به سازندگی تقریباً هم‌زمان و بدون فاصله زمانی رخ می‌دهد. در کودتا بعضاً عوامل بیگانه دخالت دارند، اما در انقلاب قاعده‌تاً چنین چیزی ممکن نیست.<sup>۱</sup>

## دو. جنبش<sup>۲</sup>

جنبش مفهومی است که نسبت به سایر مفاهیم از حیث معنایی با انقلاب نزدیک است. در واقع جنبش بسترهای تحول در جامعه را شکل می‌دهد که این تحول می‌تواند به انقلاب یا اصلاحات بدل گردد. تفاوت عمده جنبش با انقلاب و اصلاح، در شیوه اجرایی و رفتاری و نیز در هدف نهایی آن است. تغییرات اجتماعی حاصل از جنبش اگر به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز به تغییرات آرام و تدریجی منجر شود، رفرم یا اصلاح نام دارد و اگر این تغییرات، اساسی و بنیادی، توأم با خشونت باشد، به انقلاب خواهد انجامید. از این رو، انقلاب‌ها در فرایند راهبردی جوامع خواهان جنبش - که مستلزم آگاهی اجتماعی است - شکل می‌گیرد.

## سه. اصلاح<sup>۳</sup>

اصلاح یا رفرم، تغییر آرام و تدریجی، مسالمت‌آمیز و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه‌ای متعادل اتفاق می‌افتد. اصلاحات، از بالا و از سوی خود دولتمردان به‌وجود می‌آید، از این رو چه‌بسا پایگاه مردمی نداشته باشد. اصلاحات ممکن است با رسیدن به تغییرات هدفمند و منتج از نیازهای جامعه، از وقوع انقلاب نیز جلوگیری کند.

تفاوت اساسی انقلاب و اصلاح در این است که اصلاحات از سوی حاکمان و به‌منظور بهبود شرایط یا جلوگیری از وقوع انقلاب روی می‌دهد، اما انقلاب از سوی مردم و برای براندازی نظام حاکم پدید می‌آید. ناگفته نماند که اصلاحات در برخی موارد ممکن است موجب تسریع انقلاب یا فروپاشی رژیم‌های سیاسی گردد. معمولاً در اصلاحات، خشونت دیده نمی‌شود، بلکه تلاش می‌گردد تا اصلاحات در فضایی آرام صورت گیرد.

۱. بشیریه، آموزش دانش سیاسی، ص ۲۳.

2. Movement.

3. Reform.

۴

ورش حرکتی مقطعی در اعتراض به موضوعی خاص است. شورشیان غالباً نارسایی‌های وجود را نه به نهادها و ساخت‌های اجتماعی، بلکه به افراد نسبت می‌دهند. از این رو، هدف آنها محدود به از میان برداشتن افراد خاصی در حاکمیت و یا زدودن موضوع خاصی در حکومت است، بی‌آنکه ترکیب نظام سیاسی - اجتماعی را تغییر دهند. از سویی دیگر، در مواردی که شورشیان بافت اجتماعی را نشانه می‌روند، طرحی برای آینده ندارند و معمولاً اعتراض آنها مقطعی و برای موضوعی خاص است.

هدف شورش، اعتراض به وضع موجود است. از این روی، هرگاه شورشیان به تغییر در ساختار اجتماعی و سیاسی بیندیشند و طرحی هرچند مبهم برای آینده داشته باشند، حرکت آنها جنبه انقلابی می‌یابد. از آنجا که شورش برای آینده هدف مشخصی ندارند، بسیاری از آنها پس از رسیدن به هدف محدود خود دچار سردرگمی شده و نمی‌توانند تصویر جامعه‌ای کاملاً متفاوت با وضع موجود را بنمایانند. بدین ترتیب، اغلب شورش‌ها از سوی نظام حاکم سرکوب می‌شود.

### و) شرایط اجتماعی و بسترهای روان‌شناختی پیدایی انقلاب

اوضاع جامعه‌ای که مستعد انقلاب است، باید در مطالعه انقلاب مورد توجه قرار گیرد. انقلاب به شکلی مطلوب در مکان و زمانی امکان موفقیت دارد که شرایط دوقطبی بر جامعه حکمفرما باشد؛ شرایطی که در آن، گروه‌های اجتماعی از نظام سیاسی حاکم جدا شده و در مقابل آن ایستاده‌اند. چنین جامعه‌ای با دوگانگی قدرت روبه‌رو می‌گردد؛ بدین بیان که ابتدا مشروعیت حاکمیت به چالش کشیده می‌شود و سپس نیروهای اجتماعی - که به قدرت خود اطمینان کافی می‌یابند - از نظام سیاسی روی‌گردان شده، در مقابل آن قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup> عوامل متعددی ایجادکننده چنین شرایطی است، اما اگر بخواهیم آنها را در یک دسته‌بندی کلی

1. Riote.

۲. بنگرید به: محمدی، انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها، ص ۳۹ - ۳۵.



انقلابی و رهبری انقلاب. حال بدین موارد می‌پردازیم.

### ب. یک. نارضایتی عمیق از وضع موجود

نخستین عامل مهم در وقوع هر انقلاب که منشأ روان‌شناختی اجتماعی دارد، نارضایتی عمیق از وضعیت اجتماعی است که زمینه ظهور و گسترش سایر عوامل و شرایط را نیز فراهم می‌آورد. عوامل مختلفی در شکل‌گیری نارضایتی اثرگذار است. البته باید در نظر داشت هرگونه نارضایتی منجر به انقلاب نمی‌شود. به بیانی دیگر، نارضایتی انقلابی در میان توده‌های عظیم مردمی ظهور می‌کند و یک یا چند جنبه مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد. در واقع انقلاب تنها با ایجاد نارضایتی به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه روی‌دادن آن نیازمند یک سلسله علل به‌هم‌پیوسته است که آغاز آن وجود نارضایتی عمیق است.<sup>۱</sup>

### ب. دو. ظهور و گسترش ایدئولوژی‌های جدید و جایگزین

هر تغییر و تحولی در سیاست و حکومت، افزون بر نارضایتی، نیازمند ایدئولوژی جایگزین برای تغییر حکومت است. به دیگر سخن، تا زمانی که جایگزینی مناسب برای نظام حکومتی وجود نداشته باشد، بی‌گمان نظام حکومتی تغییر نخواهد کرد.

بریتون، یکی از نظریه‌پردازان انقلاب معتقد است که هیچ انقلابی بدون گسترش اندیشه و ایدئولوژی جدید شکل نمی‌گیرد.<sup>۲</sup> ایدئولوژی در هر انقلاب، در چگونگی پیروزی آن، نوع حکومت جایگزین و حتی در مراحل و تحولات پس از پیروزی نیز نقشی بسزا دارد. در واقع ایدئولوژی انقلاب، نظام ارزشی سازمان‌یافته‌ای است که ویژگی‌های نظام آرمانی را ترسیم می‌کند و راه رسیدن به آنها را می‌نمایاند.

۱. جمعی از نویسندگان، *انقلاب اسلامی ایران*، ویراست چهارم، ص ۲۳.

۲. بنگرید به: بریتون، *کالبد شکافی چهار انقلاب*، ص ۵۹ - ۴۵.



انقلاب‌هایی که در آن یک ایدئولوژی واحد و مشخص وجود دارد، از سوی دیگر، این نرش یابد، زودتر فراگیر می‌شود و بسیج توده‌ها را در پی می‌آورد. از سوی دیگر، این دباها سریع‌تر از دیگر انقلاب‌ها به پیروزی می‌رسند و پس از آن بی‌ثباتی‌های کمتری هند داشت.<sup>۱</sup> اما وجود ایدئولوژی‌های متعدد در مرحله پیدایی و استمرار انقلاب‌ها، تواند مشکلاتی را برای انقلاب فراهم آورد و از وحدت نیروهای انقلابی بکاهد. قدر تعداد ایدئولوژی ارائه‌شده برای انقلاب بیشتر باشد، احتمال ثبات پس از انقلاب نتر است. وجود دیگر ایدئولوژی‌ها در برخی انقلاب‌ها حتی به موضوع درگیری پس از نلاب بدل می‌گردد.

### ۴-۱- گسترش روحیه انقلابی

روحیه انقلابی پدیده‌ای روان‌شناختی و مرحله‌ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است. مراد ز این روحیه، به‌وجود آمدن حس پرخاشگری علیه نظم سیاسی حاکم است. با چنین روحیه و اراده‌ای است که فرد اعتمادبه‌نفس می‌یابد و در مقابل راه‌حل‌های اصلاح‌گرایانه و سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت می‌ایستد. این روحیه نیز دست‌کم باید در میان گروهی از نخبگان و توده‌ها ظهور یابد. از این‌رو، تا هنگامی که این پدیده روی نداده - هرچند شرایط دیگر محقق باشد - انقلابی به وقوع نمی‌پیوندد.

قوت و اقتدار روحیه انقلابی به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ مانند ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، نوع ایدئولوژی انقلابی و نیز مجموعه خصوصیات و اقدامات پیشین حکومت.<sup>۲</sup>

### ۴-۲- چهار رهبری و نهادهای بسیج‌گر

چنانچه سه عامل نارضایتی، ایدئولوژی جایگزین و روحیه انقلابی در سطح جامعه و مردم بیدار گردد، اما رهبری و نهادهای بسیج‌گر وجود نداشته باشد، انقلاب به پیروزی نخواهد رسید. بنابراین پیروزی انقلاب نیازمند رهبری است تا بتواند با استفاده از نارضایتی‌های موجود

۱. جمعی از نویسندگان، *انقلاب اسلامی ایران*، ویراست چهارم، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۵.

جامعه بتوانند به فعال‌سازی نارضایتی‌ها، مطرح کردن ایدئولوژی جایگزین، هدایت رو انقلابی و مدیریت حرکت انقلابی بپردازند، براندازی نظام حاکم محقق خواهد شد.

انقلاب ممکن است دارای رهبری واحد باشد (مانند رهبری امام خمینی)، یا اینک صورت مشترک انجام پذیرد و یا آنکه در هر مرحله، فرد خاصی رهبری آن را برعهده داشته باشد. برای مثال، در میان رهبران انقلاب فرانسه نام سه نفر (میرابو، دانتون و روبسپیر چشم می‌خورد.<sup>۱</sup> اصولاً یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که با انقلاب‌های معروف چه متفاوت به نظر می‌رسد، رهبری واحد در سه مرحله پیدایی، پویایی و پایایی انقلاب است. تمرکز رهبری در انقلاب‌هایی چون انقلاب فرانسه و شوروی سابق کمتر دیده می‌شود.

### چکیده

۱. انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر شکل و از نظر سیاسی - اجتماعی به معنای دگر در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه است.
۲. انقلاب‌ها بر دو گونه سیاسی و اجتماعی‌اند. انقلاب سیاسی تغییر ساختار سیاسی به تغییر ساختار اجتماعی است؛ حال آنکه انقلاب اجتماعی تغییر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه است.
۳. درباره چستی انقلاب، برخی آن را براساس نیت انقلابیون، برخی برپایه پیامد انقلاب و پاره‌ای نیز براساس فرایند انقلاب تعریف نموده‌اند.
۴. یکی از تعاریف مربوط به انقلاب اجتماعی (مبتنی بر پیامدهای انقلاب) تعریف هانتینگتون است.
۵. شکل‌گیری هر انقلاب تحت‌تأثیر عوامل مختلفی است؛ مانند نارضایتی عمیق، ظالم‌انگیزی جدید، گسترش روحیه انقلابی و وجود رهبری.
۶. انقلاب‌ها ویژگی‌هایی دارند که آنها را از سایر تحولات سیاسی و اجتماعی - مانند کودتا، جنبش، شورش و اصلاح - متمایز می‌کند.

نهضت تنباکو را می‌توان یکی از گام‌های مهم در روند شکل‌گیری و تکامل الگوی پیشرفت و تعالی دانست که نفی سلطه بیگانگان را در پی داشت. در سومین سفر ناصرالدین‌شاه به خارج از کشور (۱۲۶۸ ش)، با تلاش‌های امین‌السلطان و ملک‌خان، برخی امتیازات به بیگانگان اعطا شد که از جمله آنها واگذاری انحصاری خرید و فروش و تهیه توتون و تنباکو در داخل و خارج ایران به مدت پنجاه سال به یک شرکت انگلیسی بود. مخالفت‌های بسیاری در واکنش به این قرارداد صورت گرفت: در تهران حاج میرزا حسن آشتیانی و در عتبات مقدسه عراق نیز حاج میرزا حسن شیرازی زعامت و رهبری مردم در مخالفت با این امتیاز را برعهده گرفتند. سرانجام با صدور فتوای تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی، حکومت در سال ۱۲۷۰ شمسی امتیاز یادشده را لغو کرد و شرکت دخانیات شاهنشاهی را برپید.

نهضت تنباکو بیش از دیگر جریان‌های سیاسی و مذهبی نقش بیدارگرانه داشته و در تکامل الگوی تعالی نقش مؤثری ایفا نموده است. این اهمیت به دلایل گوناگونی بود؛ مانند گستره جغرافیایی، وحدت در حرکت، نفوذ مرجعیت شیعه، غیاب روشنفکران در جریان نهضت، گسترش شبکه اطلاع‌رسانی در میان نهاد مذهبی و نیز پیروزی جریان سیاسی - مذهبی بر استبداد داخلی و استعمار خارجی. این واقعه ضداستبدادی و ضداستعماری، بر روند تکاملی بیداری اسلامی و تعالی طلبی آثار بسیاری برجای نهاد. <sup>۱</sup> بی‌تردید نهضت تنباکو که نخستین رودررویی در برابر استبداد بود، زمینه را برای جنبش‌های دیگر نظیر نهضت عدالت‌خانه فراهم نمود.

### ج) از جنبش عدالت‌خانه تا نهضت مشروطیت

با گذشت زمان، بیداری اسلامی ابعاد مختلفی یافت و الگوی پیشرفت و تعالی روند تکاملی خود را طی نمود. از سویی تدوین نظریه‌های علمای شیعه با تکیه بر دو اصل «حفظ اساس اسلام» و «نفی سبیل»، آشتی این نهاد دینی با حکومت فاسد و مستبد را ناممکن ساخت. علما برای اصلاح امور و رفع فساد اداری پیشنهادهایی مطرح می‌کردند و حتی هشدارهایی

۱. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۵.



مشروطه، حرکتی بزرگ در تاریخ معاصر ایران بود که با رهبری همسو و بلامنزاع علما در جریان جنبش عدالت‌خانه شکل گرفت، تا اینکه در مقابل این نهضت و برای به انحراف کشاندن آن، نگرش دیگری در قالب الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا پدید آمد.

چالش میان دو الگوی مذکور در عصر مشروطه را می‌توان در قالب دو نگرش «مشروطه مشروعه» برمبنای اسلام و «مشروطه غربی» نیز جستجو کرد. هرچند هر دو بر محدود شدن استبداد و قانون‌گرایی تأکید می‌کردند، تفاوت اساسی آنها در این بود که در مشروطه مشروعه، بحث از محدودیت استبداد و قانون‌گرایی، در قالب شرع اسلام مطرح می‌شد؛ حال آنکه مشروطه غربی این موضوع را در قالب قانون عرف و برمبنای نگاه اومانستی خود و ضدیت با مذهب دنبال می‌کرد.

در این دوران تلاش‌های بسیاری از سوی علما به‌منظور مقابله با این جریان انحرافی صورت گرفت. برای نمونه می‌توان به تلاش شیخ فضل‌الله برای تدوین متمم قانون اساسی و اقدام‌های مرحوم نائینی در توضیح مشروطه براساس مبانی اسلامی اشاره نمود، اما مشروطه‌خواهان غرب‌گرا می‌کوشیدند تا برای رسیدن به ترقی موردنظر در غرب، به نفی دین و سنت‌های دینی بپردازند. در واقع همین روشنفکران غرب‌گرا بودند که برپایه مبانی ترقی‌خواهی غربی و غرب‌گرایی افراطی، روی کار آمدن استبداد رضاخان را توجیه می‌نمودند و با توجه به الهام گرفتن تفکر آنان از غرب، وجود یک دیکتاتور را برای ترقی کشور لازم می‌دانستند.

به‌روروی، نهضت مشروطیت که حرکتی اصیل به‌شمار می‌رفت، سرانجام از مسیر اصلی خود منحرف شد. به‌طور کلی عمده دلایل شکست مشروطه را می‌توان چنین برشمرد: حذف نگرش مشروطه مشروعه، اختلافات گسترده در میان رهبران آن و نیز مشکلات داخلی که شامل مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شد.

از دیگر دلایل شکست مشروطه می‌توان به تغییر رویکرد انگلستان درباره ایران نیز اشاره کرد؛ چراکه آنان طی معاهده‌ای با روس‌ها به اهدافی که می‌خواستند، رسیدند و به همین رو

منافع خود دانستند. در این زمان با توجه به انقلاب ۱۹۱۷ میلادی روسیه و خروج نیروهای روسیه از ایران، رویکرد انگلستان به ایران نیز تغییر یافت؛ بدین بیان که تصمیم گرفت در تمام کشورهای تحت نفوذ خود، دولت‌های مرکزی و وابسته را حاکم سازد تا بتواند بر اوضاع ایران چیره گردد. بر همین اساس، رضاشاه در ایران، کمال آتاتورک در ترکیه، ملک فیصل در عراق و امان‌الله‌خان در افغانستان، با طراحی انگلستان به قدرت رسیدند.

ازسویی روشنفکران غرب‌گرا که تمامی نگاه خود را به بیرون از مرزها دوخته بودند، به تاسی از برخی کشورهایی چون آلمان، روی کار آمدن یک مستبد مدرن را به‌منظور حل مشکلات جامعه ضروری می‌دانستند. بدین ترتیب، زمینه برای قدرت یافتن رضاخان پس از کودتای وی فراهم آمد.

رضاخان در سال ۱۲۹۹ شمسی ازسوی انگلیسی‌ها به همراه سید ضیاءالدین طباطبایی برای انجام کودتای نظامی انتخاب شد. علت انتخاب وی برای فرماندهی کودتا، قدرت خشونت‌آمیز، قلدری، انضباط و کم‌سوادی او بود. امیران و افسران ارشد پس از دیدارهای کوتاه با او، نسبت به وی نظری مثبت یافتند. در این میان، تمجیدهای سرگرد بخش سیاسی ارتش انگلیس (اسمایس) و همچنین فعالیت‌های ژنرال آبرون ساید (سرلشکر ارتش انگلیس و عامل اجرایی کودتای ۱۲۹۹ ش) و تحمیل تمایل انگلیس در این ابراز نظرها تأثیر زیادی داشت. اما از آنجا که رضاخان اطلاعات سیاسی، اداری و اجتماعی نداشت، انگلیسی‌ها برای انجام دادن وظایف سیاسی و اجتماعی کودتا، سید ضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد و یکی از ایرانیان مورد اعتماد خود را نامزد کرد؛ همو که در راه حفظ و اشاعه منافع آنها قلم‌فرسایی می‌کرد و تا حدی نیز در اجتماع نفوذ داشت.<sup>۱</sup>

ژنرال آبرون ساید انگلیسی رضاخان را شایسته فرماندهی نظامی بر قزاق‌ها می‌دانست تا از طریق کودتا اختیارات مملکتی را در دست گیرد. وی در یادداشت‌هایش در مورد

---

۱. پسیان و معتضد، *از سوادکوه تا ژوهانسبورگ (رضاخان)*، ص ۲۰۷.

یک دیکتاتور نظامی کلیه مشکلات ما را در ایران حل خواهد کرد. به عقیده شخصی من، با تقویت رضاخان و استقرار دیکتاتور نظامی، نیروهای انگلیسی می توانند بدون در دسر ایران را ترک کنند.

سرانجام رضاخان با همکاری سید ضیاءالدین طباطبایی برای مدتی به نخست‌وزیری رسید. رضاخان پس از کودتا به تدریج مراحل رسیدن به قدرت را طی کرد. او ابتدا به فرماندهی نیروهای قزاق و سپس به مقام وزارت جنگ و پس از چندی به مقام نخست‌وزیری نایل گردید. سرانجام نیز وی در سال ۱۳۰۴ شمسی با وجود مخالفت‌های شخصیت‌های مذهبی همچون مدرس، احمدشاه را از سلطنت برکنار کرد و خود به پادشاهی رسید. در این زمینه فراکسیون تجدد که متشکل از روشنفکران غرب‌گرا بودند، با تصویب ماده‌ای، پایان سلطنت قاجاریه را اعلام داشته، سلطنت پهلوی را به جای آن برگزیدند.

### چکیده

۱. صدور فتوای جهاد به منظور مقابله با دشمن در جنگ‌های ایران و روس، از حرکت‌های نخستین در راستای تغییر به‌شمار می‌آید.
۲. از درون بدنه حاکمیت، افرادی همچون عباس میرزا، امیرکبیر و مشیرالدوله، به گفتمان تغییر قائل بودند.
۳. افرادی نظیر مشیرالدوله با دیدگاه اصلاح‌گرایانه غربی، در چالش با نگاه عامه و علمای مذهبی، بر دیدگاه‌های اصلاح از درون نظام تأکید دارند.
۴. نهضت تنباکو به‌عنوان اولین حرکت برپایه مبانی درونی و فرهنگ بومی، زمینه دیگر جنبش‌ها را فراهم نمود.
۵. جنبش عدالت‌خانه که با تجربه نهضت تنباکو شکل گرفت، حرکتی در راستای قانون‌گرایی و نفی استبداد بود که به نهضت مشروطیت انجامید.

۱۴

۲. قدرت  
البر  
اول  
۵  
۵

۲. برخلاف مدرنیست‌های اروپایی به‌ندرت از اندیشه‌ها، ارزش‌ها و روش‌های اروپایی، شناختی واقعی دارد. از این‌روست که تکنولوژی جدید - که آن را اغلب با علوم جدید یکی می‌انگارند - درمانی قطعی دانسته می‌شود که به مجرد خریداری و نصب می‌تواند همه مشکلات اجتماعی - اقتصادی را یکسره حل کند.<sup>۱</sup>

از دیگر اقدامات مخرب پهلوی اول، در حوزه فرهنگ بود. رضاخان در راستای شبه‌مدرن نمودن ایران تلاش نمود تا به‌اجبار پوشش را تغییر دهد که در این خصوص می‌توان به کشف حجاب و همسان کردن لباس مردان اشاره نمود. وی بر آن بود تا با این کار، ایران را به‌لحاظ ظاهری با غرب یکسان کند. درحقیقت پیش‌فرض اساسی این الگو که به تجدد آمرانه نیز معروف است، این بود که توده مردم، مصالح و منافع خود را تشخیص نمی‌دهند و شیوه‌های رسیدن به آن را نمی‌دانند، از این‌رو ضروری است که نخبگان ترقی‌خواه، آنان را در مسیر تجدد و پیشرفت قرار دهند. بدیهی است که در این فرایند هرچا که اهداف و برنامه‌های ترقی‌خواهانه دولت و نخبگان سیاسی با خواست و اراده مردم مغایرت داشته باشد، کاربرد زور برای پیشبرد این اهداف و برنامه‌ها مشروعیت می‌یابد.<sup>۲</sup>

### سه. هویت‌سازی و باستان‌گرایی

فرایند شبه‌ترقی غرب‌گرا در دوره پهلوی با تأکید بر الگوی باستان‌گرایی استمرار یافت. از این حیث فرایند هویت‌خواهی این دوره با دوره قاجاریه و روند وابستگی به غرب، آمیزه‌ای از سه محور باستان‌گرایی، تجددگرایی و مذهب‌زدایی بود. به‌طور کلی اقدامات فرهنگی رضاشاه بر سه محور ناسیونالیسم باستان‌گرایی، تجددگرایی و مذهب‌زدایی قرار داشت.

در محور نخست می‌توان بدین اقدامات اشاره کرد: ترویج باستان‌گرایی افراطی با تأکید بر

۱. همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۱۴۷.

۲. معظم‌پور، نقد و بررسی ناسیونالیسم تجددخواه در عصر رضاشاه، ص ۱۱۳.



بازسازی آثار باستانی که به زعم شاه، سیمای درخشان تمدن پرشکوه ایران کهن بود.

تجددگرایی و تضعیف ارزش‌های دینی، بخشی از برنامه‌های نوسازی فرهنگی دولت رضاشاه به شمار می‌آمد؛ چراکه از نظر او، ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی، مانعی جدی برای فرایند غربی‌سازی ایران بود. از این رو، دولتمردان رژیم سلطنتی با رواج بی‌قیدی و تحقیر نهادهای دینی و سنت‌های ملی، مبارزه خود را علیه مذهب آغاز کردند. حضور میسیون‌های مذهبی، تأسیس مدارس جدید به سبک اروپایی، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌های روشنفکری، ترویج بی‌حیایی در میان زنان، کشف حجاب بانوان و نیز تغییر نظام آموزشی، از جمله فعالیت‌هایی بود که در این دوره با اتمام جدی انجام شد.

جملگی این اقدامات و اصلاحات فرهنگی برای ایجاد هویت جدید صورت می‌گرفت که جوهره اصلی آنها نیز تأکید بر ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) بود. در واقع درک دولت نوگرا از تمدن جدید، سلوک و رفتار تجددمآبانه و تغییر، در ظواهر بود، نه شکوفایی اندیشه و فرهنگ. بی‌شک در همین راستا بود که همسان‌سازی فرهنگی و رؤیای رسیدن به تمدن اروپایی، نخبگان غرب‌زده ایرانی را بر آن داشت تا به تغییر در پوشاک و کشف حجاب زنان روی آورند. گام بعدی در راستای ایجاد دگرگونی در صورت‌بندی‌های اجتماعی، تحول در نظام آموزشی کشور بود. از سوی شورای عالی معارف، نظام آموزشی مدارس فرانسه به‌عنوان الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شد و بدین ترتیب آموزشگاه‌های جدید، هنرستان‌های صنعتی و دانش‌سراهای مقدماتی و عالی، به همراه معلمان اروپایی به‌شکلی مختلط تأسیس گردید. به‌طور کلی سازمان‌های مذکور به سه منظور پی‌ریزی شد: یکی آماده‌سازی اذهان عمومی برای پذیرش تغییرات سیاسی و اجتماعی و همسو شدن با آن و سعی در القای برخی مفاهیم مانند شاه‌پرستی و میهن‌دوستی؛ دوم ارائه تحلیل‌هایی برای توجیه عملکرد نهادهای حکومتی (سوم) نیز ایجاد یکپارچگی فکری در میان مردم و نفی فرهنگ بومی.

۱. شورایی که اختیار تنظیم و تصویب آیین‌نامه‌های مدارس و مؤسسات فرهنگی و هنری و صدور پروانه نشریات و تأسیس مدارس و ... به آن واگذار شده بود.

سوال  
تاریخ  
موضوع  
پایه  
تاریخ  
موضوع  
پایه

صحنه سیاسی - مذهبی ایران است.

ورود آیت‌الله بروجردی به عرصه مرجعیت نیز رخداد دیگر این دهه بود. ایشان در سال ۱۳۲۳ با ورود به حوزه علمیه قم سرآغاز تحولی عظیم در مرجعیت شیعه شد. پیش از این، وی در حوزه علمیه نجف از مراجع شیعه به‌شمار می‌آمد، ولی او این پیشوایی را به حوزه علمیه قم منتقل کرد.<sup>۱</sup> در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ دو رکن دیگر نیز به ارکان فعالیت جنبش بیدارگری اسلامی افزوده شد: یکی مطبوعات دینی و دیگری شاخه یا گرایش دین‌باور جنبش دانشجویی. البته مطبوعات دینی در دهه‌های گذشته نیز سابقه فعالیت داشت، ولی در این دو دهه از حیث چندوچون گسترش بسیاری یافت. ویژگی جدید فعالان مذهبی مطبوعات این بود که افزون بر روحانیان، دانش‌آموختگان دانشگاه‌های داخل و خارج نیز به نویسندگی مذهبی روی آوردند و در شناساندن اسلام به نسل جوان کوشیدند.<sup>۲</sup> نکته درخور توجه در دوره پهلوی، وجود جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی متنوع و هدفمند است. از این رو برای شناسایی این جریان‌ها و عملکرد آنها، مروری بر برخی از تحولات عمده این دوره ضروری می‌نماید.

مردم صنعت نفت

۱. جنبش ملی شدن صنعت نفت

یکی از بارزترین صحنه‌های پیروزی جنبش بیداری اسلامی و حرکت در راستای تعالی خواهی، در نهضت ملی شدن صنعت نفت نمودار شد. این نهضت مهم‌ترین حرکت ضداستعماری دهه ۱۳۲۰ به‌شمار می‌رود. در جریان ملی شدن صنعت نفت، دو گرایش فکری ملی و مذهبی به‌هم رسیدند و با اقدامات متحدانه خود در دفاع از حقوق مردم و با تکیه بر قاعده «نفی سییل»، به نفی سلطه انگلیس بر ایران پرداختند. بدین ترتیب با توجه به پایگاه مردمی آیت‌الله کاشانی و مذهبی بودن جامعه ایران، وی توانست همچون پلی ارتباطی، مردم مذهبی را به اندیشه‌های جبهه ملی پیوند دهد.

۱. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۴۵.

۲. جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی ایران، ص ۹۱ - ۷۴.

۱۷

بخشید و از سویی با برهان‌های عقلی و شرعی خود لزوم ملی شدن نفت را نیز تبیین کرد.<sup>۱</sup> در این زمینه با روحانیان و دیگر نیروهای مذهبی در تهران و شهرستان‌ها ارتباط یافت و آنها را به حضور در صحنه مبارزه فراخواند. ایشان با مصاحبه‌های متعدد خارجی نیز استدلال‌ها را دیدگاه‌های خود و مردم را به گوش جهانیان رسانید.<sup>۱</sup> قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که با فتوای آیت‌الله کاشانی صورت گرفت، یکی دیگر از نمودهای بیداری اسلامی در ایران بود که در واقع نوع قدرت و نیرومندی مرجعیت شیعه و نهاد دینی را در مسائل سیاسی می‌نمایاند.

## ۲. رویارویی با اندیشه شبه ترقی پهلوی دوم (دهه ۱۳۳۰)

تلاش آیت‌الله بروجردی برای خروج روحانیت شیعه از انزوای مذهبی در جهان اسلام را می‌توان گام دیگری در این خصوص دانست. او ابتدا هیئت‌هایی از مبلغان جوان اندیشمندان مذهبی حوزه علمیه قم را برای رسیدگی به امور شیعیان و مسلمانان با کشورهای گوناگون روانه کرد و در اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا نیز مراکز اسلامی ویژه شیعیان تأسیس کرد.<sup>۲</sup>

در دانشگاه‌ها نیز که کانون برخورد افکار مختلف بود، تفکر دفاع از اسلام و هویت دینی فراهم نمودن زمینه‌ای برای رسیدن به پیشرفت بر مبنای دیدگاه‌های اسلامی، به تدریج رشد کرد. هدف این حرکت، پیراستن اسلام از باورهای نادرست و معرفی اسلام به‌عنوان دینی سازگار با علم، عدالت اجتماعی، برابری و آزادی بود که در ضمن با جهل، ظلم و نابرابری استبداد و استعمار نیز در تعارض است. بخش عمده‌ای از شکل‌گیری این جنبش، در نتیجه فعالیت‌های متفکران روحانی و استادان و معلمان اسلام‌گرا و دین‌باور بود.<sup>۳</sup>

ترقی‌خواهی روشنفکران غرب‌گرا و تأکید پهلوی اول بر حرکت در این راستا و همچنین

۱. گل‌بیدی، آیت‌الله کاشانی و نفت، ص ۲۲۰ - ۳۵.

۲. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۴۴.

۳. کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، ص ۱۲۰ - ۱۱۵.

۱۱



این تفکر، حاکی از نفی صریح سلطنت و «ضرورت تشکیل حکومت اسلامی» (برای رسیدن به تعالی) بود.

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ فصل دیگری را در این زمینه گشود. امام خمینی ره در واکنش صریح به این مصوبه خواستار لغو آن گردید و از این زمان به بعد، ایشان رسماً فعالیت‌های خود را با فراخوانی و تشکیل جلسات مشورتی میان علمای قم آغاز کرد.

با موضع‌گیری‌های آشکار امام خمینی ره رویکرد به مرجعیت سیاسی نیز فزونی یافت. شاگردان ایشان بیش از پیش دریافتند که مبارزه سیاسی در صورتی مورد اقبال عمومی قرار خواهد گرفت که در بستر دینی قرار گیرد و از آموزه‌های شریعت بهره جوید. بنابراین افزایش مقلدان امام خمینی ره مانند عضویت در حزبی سیاسی دانسته شد که رنگ و جلای مذهبی داشت. در چنین اوضاعی برای بسیاری از دین‌داران نواندیش، در انتخاب مرجع تقلید به جز احراز دیگر شرایط مرجعیت، توجه به مواضع سیاسی ایشان نیز عامل مهمی به‌شمار می‌رفت. مرحله اول نهضت اسلامی با عقب‌نشینی رژیم پهلوی و لغو لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در آذر ۱۳۴۱ با موفقیت به پایان رسید.<sup>۲</sup> تحولات بعدی زمینه را برای قیام پانزدهم خرداد آماده نمود؛ قیامی که بی‌گمان نقطه عطفی در تاریخ تکامل الگوی تعالی به‌شمار می‌آید.

### ۳. قیام پانزدهم خرداد

به‌دنبال سخنرانی امام خمینی در روز عاشورا (۱۳ خرداد ۱۳۴۲)، ایشان و بسیاری از علما و عاظم و مبارزان در قم، تهران و دیگر شهرها دستگیر شدند. اخبار مربوط به دستگیری امام با وجود سانسور شدید، در مدتی کوتاه در سراسر کشور پخش شد و موجی از اعتراض و انزجار

۱. روح‌بخش، «میراث آیت‌الله بروجردی»، گفتگو، ش ۳۲، ص ۳۰.

۲. حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۲۰)، ص ۱۵۷ - ۱۵۳.



علیه حکومت پهلوی و سه راه برتریست و سی...  
کشاند. بی‌تردید قیام سراسری پانزده خرداد و سرکوبی خونین آن در شهرهای گوناگون نقطه  
اوج این بحران بود.<sup>۱</sup>

قیام پانزده خرداد در واقع نمودار گرایش جدی‌تر روحانیان به فعالیت‌های سیاسی بود.  
بازاریان نیز با چرخشی معنادار، از ایدئولوژی ملی‌گرایانه دهه‌های پیش به‌سوی ایدئولوژی  
اسلام سیاسی - بهره‌بری مراجع تقلید و روحانیان - روی آوردند. بدین ترتیب، رویکرد نوین  
بازاریان نیز از ویژگی‌های بیداری اسلامی دهه ۱۳۴۰ است. نکته درخور تأمل دیگر، سرعت  
بالای پیام‌رسانی این قیام و شرکت طبقات گوناگون مردم در آن بود.<sup>۲</sup> بدین‌سان، با قیام  
پانزدهم خرداد، تعالی‌خواهی به جریان قدرتمندی بدل گردید.

در فاصله ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی ره با حکومت پهلوی مبارزه‌ای  
جدی و آشکار داشت که سرانجام نیز در اعتراض به تصویب لایحه اعطای مصونیت قضائی  
به اتباع آمریکایی (کاپیتولاسیون) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دستگیر و به ترکیه و سپس عراق تبعید  
شد. در این مدت امام خمینی ره اصول مبارزه‌ای را بنیاد نهاد که قواعد آن از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله  
و ائمه علیهم السلام برگرفته شده بود و به همین رو به حرکت‌های سیاست‌مداران حزبی هیچ‌گونه  
شبهاتی نداشت. اما در کنار مبارزه روحانیت و در رأس آن امام خمینی ره، گروه مذهبی  
جنبش دانشجویی نیز در بیدارگری اسلامی در این سال‌ها نقش بسزایی داشته است.  
دانشجویان مذهبی با شخصیت‌های فعال و مبارز روحانی ارتباط داشتند که نامدارترین آنان در  
سال‌های نخستین دهه ۱۳۴۰ علامه طباطبایی، آیت‌الله مطهری و آیت‌الله طالقانی بودند. این  
افراد در نخستین کنگره این جنبش نیز که در سال ۱۳۴۱ تشکیل شد، شرکت جستند.

فعالیت‌های انجمن اسلامی در این سال‌ها بر محور دفاع از دین در برابر افکار  
مارکسیستی و اندیشه‌های غربی بود که بر همبستگی ملل مسلمان نیز تأکید می‌کرد. با آغاز

۱. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۵۴.

۲. روح‌بخش، «میراث آیت‌الله بروجردی»، گفتگو، ش ۳۳، ص ۶۸ و ۶۹.

۲۰

در این دوره سرآغاز ترویج و تبلیغ اندیشه‌های اصیل و ناب اسلامی با رویکردی خوزوی-  
دانشگاهی گردید.

نیمه دوم سال ۱۳۴۳ از لحاظ سیاسی سرآغازی دیگر برای استبداد سلطنتی بود. تبعید  
امام خمینی علیه السلام، سرکوبی جنبش‌ها، محاکمه و محکومیت رهبران نهضت آزادی ایران و  
شماری از روحانیان و نیز ایجاد فضای وحشت و پنهان شدن فعالیت‌های سیاسی، گواهی بر  
این مدعاست. از این دوره به بعد بر اثر سرکوب گسترده رژیم، نهضت تا سال ۱۳۴۶ دچار  
رکود مقطعی گردید، تا اینکه به تدریج اندکی از اختناق سیاسی کاسته شد و گروه‌ها و احزاب  
سیاسی مجال بیشتری برای فعالیت یافتند.

در این دوران در کنار احیاگران و مصلحان روحانی در دهه ۱۳۴۰، اندیشه‌های افرادی  
چون جلال آل احمد و علی شریعتی نیز در خدمت تعالی‌خواهی و نفی ترقی‌خواهی بود.  
آل احمد که با کنار نهادن اندیشه مارکسیسم بار دیگر به اسلام پناه آورده بود، با نگارش  
کتاب‌های غرب‌زدگی و در خدمت و خیانت روشنفکران، به تبیین ابعاد غرب‌زدگی و  
روشنفکری پرداخت. او اسلام شیعی را عنصری تفکیک‌ناپذیر از هویت ایرانی معرفی کرد و  
برای روحانیان - به‌عنوان مهم‌ترین قشر اجتماعی که در برابر غرب تسلیم نمی‌شوند -  
جایگاهی شایسته قائل شد. آل احمد از اینکه روشنفکران به ابعاد و علل قیام پانزده خرداد  
۱۳۴۲ چندان توجهی نکردند، بر آنها خرده گرفت. او معتقد بود همراهی و اتحاد روحانیان و  
روشنفکران گامی به‌سوی تکامل و دگرگونی است. در نظر آل احمد، مذهب شیعه ایدئولوژی  
مناسبی برای بسیج سیاسی است. وی با تبیین این موضوع درصدد برآمد که روحانیان و  
روشنفکران و دیگر قشرهای متدین جامعه را علیه استبداد حکومت پهلوی بسیج کند.<sup>۲</sup>

فعالیت‌های فکری دکتر شریعتی نیز به سبب ایجاد تحریک اسلامی در قشر دانشگاهی و

۱. ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲. بروجردی، روشنفکران ایرانی و غرب، ص ۱۲۳ - ۱۱۸.

«نازگست به خویشتن»، گفتمان «غرب‌زدگی» آل‌احمد را پی‌گرفت.<sup>۱</sup>

#### ۱. تبیین نظریه حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه

بیداری اسلامی و روند تکاملی تعالی‌طلبی از سال ۱۳۴۸ با طرح نظریه حکومت اسلامی از سوی امام خمینی علیه‌السلام وارد مرحله تازه‌ای گردید. ایشان نظریه حکومت اسلامی را با عنوان «ولایت‌فقیه» در مسجد شیخ انصاری نجف آغاز کرد. امام علیه‌السلام در طول جلسات گوناگون کوشید تا اثبات کند فقها و علمای مسلمان، حکومت و ولایت دارند؛ دین از سیاست جدا نیست؛ ایدئولوژی اسلامی فراتر از عبادات است و اسلام واقعی، دینی سیاسی - اجتماعی است.

امام علیه‌السلام در این بحث‌ها علیه رژیم ایران و کشورهای اسلامی نیز موضع می‌گرفت و آنها را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان معرفی می‌کرد. ایشان همچنین خطر صهیونیسم در کشورهای اسلامی و از این سو مسئولیت‌های سیاسی - اجتماعی روحانیان در برخورد با مشکلات پیش‌روی مسلمانان و جهان اسلام را مطرح نمود و اندیشمندان را به تأمل درباره حکومت اسلامی فراخواند.<sup>۲</sup>

در سال ۱۳۵۶ به دلایل مختلف، فضای مساعدی برای جنبش بیداری اسلامی به وجود آمد. یکی از این عوامل، روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا بود. با مطرح شدن شعار حقوق بشر از سوی دموکرات‌ها، زمینه فشار بر شاه برای ایجاد فضای باز سیاسی فراهم گردید. هرچند بعدها آنان از اقدامات سرکوب‌گرانه شاه نیز حمایت کردند. از سوی دیگر، درگذشت مشکوک آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی علیه‌السلام در سال ۵۶ و مهم‌تر از همه درج مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات نسبت به امام علیه‌السلام، بستر مناسبی برای حرکت علیه دولت پهلوی و تحقق انقلاب اسلامی فراهم نمود.

۱. همان، ص ۱۶۷.

۲. روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۷۲۵ - ۷۱۲.



و انسان‌شناسی اسلامی بود. این الگو برخلاف ترقی غرب‌گرا که راه رسیدن به پیشرفت را صرفاً از طریق تقلیدگرایی و وابستگی به غرب می‌دانست، استقلال از بیگانگان را از لوازم رسیدن به پیشرفت می‌دانست. بدین دلیل، الگوی تعالی بر آن بود که هر چند می‌باید در این راستا از تجربه دیگران استفاده نمود، بی‌شک برگرفتن مبانی معرفتی و انسان‌شناسی غربی موجب وابستگی هر چه بیشتر به غرب و عدم پیشرفت واقعی خواهد داشت. بر این بنیاد انقلاب اسلامی به دنبال ارائه الگویی بود که جامعه ایران را به دور از وابستگی به غرب، به پیشرفت رساند.

### (ب) فرایند بسیج سیاسی و وقوع انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۶ و ۵۷

اگر نقطه آغاز وضعیت انقلابی در ایران را ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶، یعنی زمان چاپ مقاله توهین‌آمیز رشیدی مطلق به امام خمینی ره (در روزنامه اطلاعات) بدانیم، روز ۱۹ دی، نخستین روز حرکت جمعی است که به‌گونه‌ای گسترده و سازماندهی شده ادامه یافت و از آن روز بر جمعیت بسیج شده علیه رژیم نیز افزوده گردید.

گروه‌ها و احزابی که در اواخر دهه ۱۳۴۰ و نیمه اول دهه ۱۳۵۰ فعالیت مسلحانه داشتند تا پایان سال ۱۳۵۵ کاملاً به دست رژیم سرکوب شدند. بنابراین در وضعیت انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ هیچ حزب یا گروه انقلابی مدعی قدرت وجود نداشت. تنها با سازماندهی خارق‌العاده رهبر کبیر انقلاب بود که اکثریت مردم در زمره مخالفان قرار گرفتند؛ آن‌گونه که رژیم با وجود تمهیدات مختلف نه‌تنها بر وضعیت انقلابی فائق نیامد، بلکه روزبه‌روز ضعیف‌تر شد.

بسیج مردمی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ هرگز به حزب، منطقه، سازمان یا صنف خاصی محدود نبود، بلکه در ورای آنها قرار داشت و چون بخشی از جمعیت را برمی‌انگیخت، جنبش اجتماعی را پدید می‌آورد. از سویی، میزان سازمان‌یافتگی بین جمعیت یا گروه بسیج‌گر، در کار بسیج سخت مؤثر است. هر چه روابط درونی و فرهنگ مشترک در داخل گروه بسیج‌گر، گسترده‌تر باشد، احتمال پیروزی آن بیشتر است؛ چراکه این دو مؤلفه موجب داشتن

فرایند بسیج سیاسی در ایران با نارضایتی‌های عمومی و آگاهی‌بخشی به مردم شروع شد. مسلط کردن ضدارزش‌ها بر جامعه و جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی مردم در میان این نارضایتی‌ها بیشتر به چشم می‌آید. در پی وخیم شدن اوضاع، کادر برجسته انقلابی، مردم را از وضعیت نابسامانی که داشتند، آگاه کرد و همچنین آنها را برای استفاده از امکانات و توانایی‌هایشان در جهت تغییر اوضاع هوشیار نمود.<sup>۲</sup> البته در این مقطع، نقش امام خمینی علیه السلام در دوران تبعید و ارتباط ایشان با نیروهای داخلی نیز بسیار مهم است.

غل بیوستن مردم به مخالفین: اینکه چرا مردم به صورت گسترده به جبهه مخالفان رژیم پیوستند، دلایلی چند دارد:

۱. شاه هرگز به گروه‌های مخالف اجازه فعالیت نداد و برای نیروهای جدید اجتماعی نیز فضای باز سیاسی به وجود نیاورد. او بین رژیم و طبقات اجتماعی ارتباطی برقرار نکرد و پایگاه سلطنت استبدادی را که به کمک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زنده مانده بود، وسیع‌تر ساخت. شاه از این سو، پایگاه سیاسی رژیم را محدودتر کرد و حتی رشته‌هایی را که در گذشته، سلطنت مطلقه را با طبقات متوسط سنتی پیوند می‌داد، از هم گسلاند.<sup>۳</sup>

۲. توانایی روحانیان در بسیج مردم بسیار زیاد بود؛ توانی که عمدتاً حاصل دیدگاه احیاگرانه اسلامی به‌شمار می‌رفت. این دیدگاه که پرورش انسان نوین و پاک‌سازی جامعه از نشانه‌های فرهنگ و تمدن غربی را وعده داد، مردم را به صحنه آورد و بدین ترتیب پشتیبانی، مبارزه و حتی فداکاری‌های این مردم «همیشه در صحنه» را ممکن ساخت.<sup>۴</sup>

۳. وجود یک رهبر که فرمانش برای مردم در حکم واجب شرعی بود، سبب می‌گردید

۱. گل‌محمدی، «زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی»، راهبرد، ش ۹، ص ۸۹.

۲. بنگرید به: مدرسی، *استراتژی اسلامی*، ص ۷۸.

۳. گل‌محمدی، «زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی»، راهبرد، ش ۹، ص ۸۹.

۴. عبوسی، *جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی*، ص ۱۷۵.

به پیام‌های حسنی و اهل‌بیت رسیدند. آن‌ها در روزهای ۱۳۵۶ در ریغ نمی‌شد.

به‌طور کلی اگر نقطه شروع حرکت انقلاب را ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ در نظر بگیریم، روند تحولات تا پیروزی انقلاب اسلامی به چهار دوره تقسیم‌پذیر است که بدانها روی می‌کنیم.

### یک. مرحله تظاهرات در سطح محلی (از دی ماه ۵۶ تا تیر ۵۷)

در پی درج مقاله توهین‌آمیز رشیدی مطلق نسبت به امام خمینی علیه السلام در روزنامه اطلاعات (۱۳ دی ماه ۱۳۵۶) واکنش‌ها علیه رژیم شروع شد. در آغاز، خشم مردم قم به چنان تظاهراتی بدل گردید که رژیم مجبور شد در شدت عملی وحشیانه، جمعی از مردم را به خاک و خون کشد. با این اقدام، موجی از خشم و نفرت سراسر ایران را فراگرفت و در شهرهای مختلف نیز مراسم بزرگداشت آنها برگزار گردید. امام علیه السلام نیز خطاب به ملت ایران پیامی فرستاد که موجب گسترش دامنه مبارزه علیه رژیم شد.

مراسم چهلم شهدای قم همراه با تظاهرات در تهران، تبریز و دیگر شهرستان‌ها برگزار شد که در این بین تظاهرات تبریز به خشونت گرایید و جمعی از مردم نیز کشته شدند. با وقوع این حوادث، عید نوروز به عزای عمومی بدل گردید. پس از آن، برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز در یزد نیز به تظاهرات گسترده‌ای انجامید. بدین ترتیب اعتراض‌های مردمی به مناسبت‌های مختلف تا مرداد ۱۳۵۷ ادامه یافت. از مجموع این حوادث می‌توان نتیجه گرفت:

۱. از شروع حرکت انقلابی (دی ماه ۵۶)، گروه‌ها و احزاب سیاسی شناخته‌شده نقشی در تحولات نداشتند.
۲. بیشتر تظاهرات از مساجد شروع می‌شد و به همین رو جنبه مذهبی آن مشهود بود.
۳. دعوت به راهپیمایی و تظاهرات عمدتاً از سوی رهبران انقلاب و به‌ویژه از جانب امام خمینی علیه السلام بود.

۱. همان، ص ۱۷۶.

۲. بنگرید به: موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۵۲ - ۴۴۹.

۲۵



این مرحله، با آغاز ماه رمضان در سراسر کشور آغاز شد. در این ماه حوزه‌های علمیه بنا به سنت دیرین خود تعطیل شد و روحانیون مدارس دینی برای تبلیغ، راهی مناطق مختلف شدند. اغلب این روحانیان به خصوص طلاب جوان، حاملان پیام انقلاب بودند. رژیم شاه نیز با آنکه از اقدامات احتمالی طلاب و نقش آنان در بسیج سیاسی و سازماندهی مردم کم‌و بیش آگاهی داشت، با توجه به شمار فراوان و پراکندگی جغرافیایی آنها، قادر به واکنش لازم نبود.<sup>۱</sup> دور جدید تظاهرات از اصفهان شروع شد، اما با حمله نیروهای امنیتی به مردم، در شهر حکومت نظامی اعلام گشت. در پی این اقدام، امام خمینی علیه السلام در پیامی به مردم اصفهان فرمود:

فاجعه اخیر اصفهان را به عموم اهالی محترم تسلیت عرض می‌نمایم. این فاجعه به دنبال فجایع بسیار دیگر، نمونه‌ای است از رفتارهای حکومت ستمگر شاه که وحشیانه به ملت مسلمان ایران هجوم آورده و آنان را به خاک و خون کشیده است. این فاجعه آخرین آن نیست و تا حکومت این دودمان ستم‌پیشه برقرار است، فاجعه، به دنبال فجایع، مصیبت پشت مصائب و حادثه به دنبال حوادث عظیم ادامه خواهد داشت.<sup>۲</sup>

در پی حادثه دلخراش سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد - که در آن نزدیک به چهارصد نفر در آتش سوختند - رژیم ابتدا سعی کرد با تبلیغات وسیع، آن را اقدامی از جانب گروه‌های مخالف نشان دهد، ولی پس از چند روز مردم پی‌بردند که خود رژیم در این فاجعه دست داشته است. این امر خود موجب تشدید راهپیمایی‌های سراسری شد.

در راهپیمایی عظیم و سراسری بعد از نماز عید فطر در سال ۱۳۵۷ - که بی‌سابقه‌ترین تظاهرات خیابانی بود - بار دیگر قدرت مردم به نمایش گذارده شد. رژیم نیز برای فائق آمدن بر مردم، در ۱۷ شهریور، کشتار فجیع جمعه سیاه را در میدان ژاله به راه انداخت؛ کشتاری که

۱. عیوضی، جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون در ایران، ص ۲۱۱

۲. بنگرید به: موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۵۵۲.

تأثر انگیز فروربرد. این فاجعه یکی از مهم‌ترین وقایع دوران انقلاب بود که موج اعتصابات و تظاهرات وسیع‌تری را به دنبال داشت و بازتاب آن در سطح جهانی، جایگاه رژیم را به شدت تضعیف کرد. پس از این اقدام خشونت‌بار رژیم، آتش خشم مردم برافروخته‌تر شد و سرعت جریان انقلاب شتاب بیشتری گرفت.<sup>۱</sup>

### سه. مرحله اعتصابات و تظاهرات گسترده (مهر تا آذر ۵۷)

در پی فاجعه خونین ۱۷ شهریور، رژیم درصدد برآمد تا با انجام برخی اصلاحات و اقدامات، خشم مردم را فرونشاند، از این رو امیرعباس هویدا، وزیر دربار و نصیری، رئیس ساواک را زندانی کرد و تقویم شاهنشاهی را نیز لغو نمود. از این سو، روحانیان شناخته‌شده و برخی زندانیان سیاسی نیز از زندان آزاد شدند و تعدادی از مراکز فساد و قمار نیز تعطیل گردید. اما این اقدامات جز به عقب‌نشینی دولت در مقابل خواست‌های مردم تعبیر نشد.<sup>۲</sup>

با بازگشایی مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، زنگ خطر برای رژیم زده شد؛ چراکه آنها مبارزه منسجم‌تری را علیه رژیم آغاز کردند. هم‌زمان با این اقدامات، موج اعتصابات نیز شروع شد. در نوزدهم مهرماه، مطبوعات اعتصابات سه روزه خود را در اعتراض به سانسور، اختناق و سلب آزادی مطبوعات آغاز نمودند. در ۲۴ مهرماه نیز کشور به مناسبت چهلم کشتار ۱۷ شهریور شاهد اعتصاب سراسری بود.<sup>۳</sup>

با هجرت امام خمینی علیه السلام از نجف به پاریس در مهرماه ۵۷ روند تحولات، چهره روشن‌تری به خود گرفت؛ زیرا برخلاف تصور رژیم که می‌پنداشت با مسافرت امام علیه السلام به فرانسه، نام و افکارش در کشوری اروپایی محو خواهد شد، ایشان در مرکز توجه مطبوعات و محافل سیاسی جهان قرار گرفت و حتی هر روز با رادیو و تلویزیون‌های دنیا مصاحبه می‌کرد.

۱. عمید زنجانی، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، ص ۲۸۲.

۲. عیوضی، جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی، ص ۱۷۹.

۳. عمید زنجانی، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، ص ۲۸۴.



بدین ترتیب، «چهره استثنایی این مرد روحانی که در ریر درحی در حومه پاریس سسست بود و با سخنان دلنشین خود بر ضدشاه، از هزاران کیلومتر آن طرف تر انقلابی را رهبری می کرد، توجه همه جهانیان را به خود جلب کرده بود.»<sup>۱</sup> در واقع او توانست صدای انقلاب را از قلب اروپا به گوش جهانیان برساند. این گونه بود که نهضت در آستانه یک سلسله تحولات جدید و سرنوشت ساز قرار گرفت و موج اعتصابات نیز شدت یافت.<sup>۲</sup>

در همین اوضاع، دانشجویان برخی دانشگاه ها نیز خواسته های سیاسی خود را اعلام کردند و در پی آن، استادان نیز به پشتیبانی آنها و در اعتراض به بازداشت دانشجویان، پیش گام حرکت در آموزش عالی شدند. پس از آن، موج اعتراض و اعتصاب به بیمارستان ها، وزارتخانه های مختلف و مؤسسات دولتی مانند بانک ها، گمرک و راه آهن کشیده شد و آنها نیز جسارت یافته، وارد معرکه شدند.

البته اعتصاب و اعتراض در مؤسسات آموزشی، اعلام خطری بزرگ برای نظام حاکم است، ولی آنچه دولت را به بن بست می رساند، اعتصاب کارمندان است که خوشبختانه این مهم در جریان نهضت انقلابی ایران اتفاق افتاد. اعتصاب کارگران و کارکنان صنعت نفت و تعطیلی صدور نفت در ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷، به منزله قطع رگ حیاتی اقتصاد ایران بود.<sup>۳</sup> رژیم نیز با استفاده از شیوه های تشویق و تهدید تلاش کرد کارگران را به سر کار بازگرداند، ولی ناکام ماند. امام خمینی ره نیز در پیامی این کار انقلابی کارکنان صنعت نفت را ستود.<sup>۴</sup> پس از آن کارکنان مخابرات، سازمان آب، نیروگاه های برق و دیگر سازمان های دولتی نیز اعتصاب کردند.

در ۱۳ آبان ۵۷ همبستگی دانش آموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران به خاک و خون کشیده شد و به همین رو در ۱۵ آبان تمامی دانشگاه ها و مدارس تعطیل گردید. قضات

۱. بنگرید به نراقی، *از کاخ شاه تا زندان اوین*، ص ۷۰۱.

۲. سولیوان، *مأموریت در ایران*، ص ۱۸۳.

۳. بازارگان، *انقلاب ایران در دو حرکت*، ص ۴۵ و ۴۶.

۴. موسوی خمینی، *صحیفه نور*، ج ۲، ص ۴۱.

روزه زدند که تا پایان حکومت از هزاری ادامه یافت.<sup>۱</sup>

اعتصابات سراسری بنا به درخواست جامعه روحانیت در ۲۲ آبان، همراه با تعطیلی بازار و

فریادهای شبانه الله اکبر بر فراز بامها - که تاکتیک جدید مبارزه علیه رژیم بود - فراگیر شد.

ویژگی عمده این مرحله، استفاده از روش مقاومت بدون خشونت و راهاندازی اعتصابات بود؛

اعتصابهایی که ظهور دیگری از میل به وحدت علیه استبداد شاه و حرکت رو به مرکز را

نشان می داد. به تدریج اعتصابها در مدتی کوتاه در سراسر کشور گسترش یافت و قاطعیت

پیگیر امام علیه السلام نیز آن را تقویت کرد.<sup>۲</sup>

### چهار. مرحله سرنوشت ساز و کنش های جمعی (آذر تا بهمن ۵۷)

فرارسیدن ماه محرم، فرصت خوبی برای گسترش موج حرکات انقلابی و تعیین تکلیف نهایی

رژیم بود. از این روی، امام خمینی علیه السلام در آستانه این ماه در پیام تاریخی اول آذر ۱۳۵۷، حلول

ماه محرم را سرآغاز پیروزی بر جنود ابلیس و محو کلمه باطل شمرد و عموم ملت را برای

ادامه و گسترش مخالفت با شاه و به زیر کشیدن او، به قیامی یکپارچه دعوت نمود. ایشان در

پیام خود به صراحت اعلام داشت: همه و همه، هم صدا و پشت هم به سوی هدف مقدس

اسلام، یعنی برچیده شدن سلسله ستمگر پهلوی و انهدام نظام شاهنشاهی و برقراری

جمهوری اسلامی - مبتنی بر احکام مترقی اسلام - به پیش می رویم که پیروزی از آن ملت

به پا خاسته است.<sup>۳</sup>

در شب اول ماه محرم، مردم سراسر کشور تظاهرات کردند. در تهران راهپیمایی کم نظیری

- که موجب کشتار مردمی شد - دستگاه حاکمیت را به وحشت افکند. امام خمینی علیه السلام در

واکنش به این حادثه، بی درنگ در همان روز اول محرم پیامی صادر کرد و این جنایت را به

۱. عمید زنجانی، انقلاب اسلامی ایران و ریشه های آن، ص ۲۸۷.

۲. بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۴۲.

۳. موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۳۴ - ۴۳۲.

کودک جلوه نماید. از این رو، آنها برای آنکه از حرکت پرشتاب انقلاب اسلامی عقب نمانند، ناگزیر با آن همراه شدند، ولی این همراهی تا جایی ادامه داشت که حرکت انقلاب تضادی با اهداف و منافعشان پیدا نمی کرد. حتی برخی گروه‌های سیاسی در کشاکش انقلاب اسلامی به دنبال تغییر مسیر انقلاب در جهت دلخواه خود بودند.

تضاد یا تغایر احزاب سیاسی با انقلاب اسلامی از حیث اهداف و خواسته‌ها، موجب گردید که بیشتر احزاب به مخالفت با انقلاب برخیزند و یا تا حدودی با آن همراه گردند و سپس راه خود را جدا نمایند. در این میان هیئت‌های مؤتلفه اسلامی همراه با مردم و در جهت اهداف انقلاب عمل کردند. اینک خلاصه‌وار به بررسی وضعیت جریان‌های فکری و احزاب در آستانه

### انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

#### حزب توده

حزب توده که یکی از احزاب مارکسیستی است و پس از کودتای ۲۸ مرداد منفعل و منزوی گردیده بود، در جریان انقلاب اسلامی سعی داشت با تغییر شعار مردم از «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به «استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی»، در واقع به نفی جمهوری اسلامی بپردازد. آنان همچنین کوشیدند تا از راه‌های مختلف، شعار «نه شرقی» را از شعار معروف «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» حذف کنند و از سویی به گستردن دیدگاه‌های کمونیستی خود در میان مردم بپردازند. اما پایبندی مردم به اسلام و شمار کم اعضای حزب در مقابل ابوه هواداران انقلاب اسلامی، موجب ناکامی آنها گردید.

از سوی دیگر با توجه به فراگیر شدن گفتمان اسلام‌گرایی، حزب توده نتوانست نیروهای عملیاتی برای تحقق اهداف خود جذب نماید و حتی رهبران آن در زمان انقلاب مجبور شدند با توجه به فضای غالب اسلامی، وجهه اسلامی از خود نشان دهند. این حزب پس از پیروزی انقلاب اسلامی سعی کرد خود را مدافع انقلاب، اسلام و خط امام علیه السلام بنمایاند. آنها در این راه حتی اصطلاحات خاص اسلامی را به کار گرفتند؛ چنان‌که مثلاً به جای سوسیالیسم از عبارت



بدین ترتیب، حزب توده و اغلب جریان‌های فکری - مارکسیستی در جریان و پس از پیروزی انقلاب با اقبال مردمی روبه‌رو نشدند. عدم‌تجانس اعتقادی، وابستگی به قدرت‌های بیگانه و مخالفت با اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی، از جمله دلایل روی‌گردانی مردم از حزب توده بود. سرانجام در سال‌های اولیه پس از انقلاب، سران این حزب به همراه شمار زیادی از اعضای نفوذی در ارتش و سایر ادارات، دستگیر و محاکمه شدند.

## دو. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

این گروه مارکسیستی که در اوایل دهه ۴۰ با فعالیت مسلحانه، مبارزه خود را شروع کرده بود در اوایل دهه پنجاه تقریباً از میان رفت. در آن سال‌ها رهبران اصلی چریک‌های فدایی خلق دستگیر شدند و پرونده این گروه در همین سال‌ها بسته شد و به همین دلیل در فضای انقلابی نیز حضور نداشتند. البته چریک‌های فدایی خلق نه پیش و نه پس از انقلاب به‌دلیل مسلمان بودن مردم، در میان آنان پایگاهی نیافتند.

این سازمان در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نقشی ایفا نکرد. سبب این امر نیز همانند حزب توده، ناهماهنگی اعتقادی و اخلاقی یا به بیانی، تضاد ایدئولوژیکی و بی‌اعتقادی آنها بود و همچنین وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم آنان به قدرت‌های خارجی.

تضاد چریک‌های فدایی خلق با انقلاب اسلامی، پس از پیروزی آن به اوج خود رسید. آنها از همان ابتدا شورش در گنبد را سازمان‌دهی کردند و بر شورش خلق عرب در خوزستان نیز دامن زدند. آنان شورش قشقایی‌ها در فارس را تشویق و در بسیاری از شهرهای شمالی کشور فتنه‌گری کردند. همچنین در کردستان با همکاری احزاب ضدانقلاب به جنگ با حامیان و پاسداران انقلاب اسلامی برخاستند. سرانجام در سال ۱۳۶۲ با دستگیری بیشتر اعضای این سازمان، عملاً قدرت هرگونه فعالیتی از آنها گرفته شد.<sup>۲</sup>

۱. لطیفی پاکده، احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، ص ۶۶.

۲. مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۴۵.

این سازمان در سال ۵۲ تا ۵۴ دچار تحول عمیق در درون خود گردید و بسیاری از نیروهای آن به مارکسیسم گرویدند. کسانی هم که با این اقدام مخالفت کردند، کشته شدند و بدین رو تنها تنی چند در زندان باقی ماندند که پس از آزاد شدن، در آستانه انقلاب اسلامی بار دیگر این سازمان را فعال کردند. این گروه پس از چند سال کار فکری، به اقدامات نظامی علیه شاه روی آورد که البته به سرعت نیز سرکوب شد.<sup>۱</sup>

آشنایی آنان با مذهب اغلب از طریق آثار مهندس بازرگان بود؛ چنان که به نوشته خود سازمان، پس از قرآن و نهج البلاغه، آموزش‌های دینی آنها بر محور کتاب *راه طی شده* (از آثار مهندس بازرگان) بود که مورد بحث و واکاوی قرار می‌گرفت.<sup>۲</sup> ایدئولوژی آنان نشان می‌داد که سازمان به روحانیت و مرجعیت اعتقادی ندارد و تنها در اندیشه استفاده ابزاری از آنهاست. یکی از مظاهر بی‌اعتقادی مجاهدین به اسلام حوزوی، عدم باور به رساله عملیه بود که آن را محصول شرایط دوره فتوالیسم می‌دانستند. آنها همچنین در مسائل اعتقادی برداشت ویژه خویش را داشتند.<sup>۳</sup>

با وجود اختلاف فکری سازمان با روحانیت، مجاهدین تلاش می‌کردند با روش‌های منافقانه، از جایگاه و نفوذ روحانیان و حتی شخص حضرت امام علیه السلام استفاده کنند. در این زمینه، سازمان فعالیت ویژه‌ای را آغاز کرد تا شاید از امام علیه السلام برای خود تأییدیه بگیرد، ولی ایشان با وجود توصیه برخی روحانیون انقلابی، در اقدامی دوراندیشانه از تأیید سازمان مجاهدین خودداری نمود و از آنها کمترین حمایتی نکرد.

سازمان مجاهدین در پیروزی انقلاب اسلامی نقش درخوری نداشت، اما هنگامی که پیروزی را قطعی دید، به ظاهرسازی و روش‌های منافقانه روی آورد و خود را همراه انقلاب و حرکت مردمی نشان داد و در واقع از همین روی بود که به منافقین شهرت یافتند. اعضای این

۱. جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر هشتم، ص ۳۴۹.

۲. همو، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)، ص ۲۲۳.

۳. همان، ص ۲۴۴.

نکس امام خمینی ره با آرم سازمان، از اولین شگردهایی بود که در این راستا انجام شد.<sup>۱</sup> منافقین در جذب برخی جوانان موفقیت‌هایی نیز به دست آوردند؛ آن‌گونه که توانستند چلین هزار نفر را در جهت اهداف خود سازمان‌دهی کنند. امام خمینی ره با شناخت دقیق ماهیت آنان، چهره حقیقی‌شان را برای توده مردم آشکار کرد.<sup>۲</sup> سرانجام نیز منافقین به ترور و جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی روی آوردند و بسیاری از رهبران انقلابی و مردم عادی را به شهادت رساندند.

### نقش هیئت‌های مؤتلفه اسلامی

این جمعیت با نظر امام ره و پس از تشکیل جلسات مخفی، ارکان خود را در دو بخش کمیته مرکزی و شورای روحانی - با عضویت جمعی از روحانیون - تنظیم کرد، اما بعدها شاخه نظامی نیز به ارکان آن افزوده شد. مؤتلفه کوشید تا مبارزه منسجمی را براساس آرمان‌های امام ره آغاز کند. بدیهی است این تشکل به دلیل وابستگی‌اش به مرجعیت، به‌مانند مجاهدین خواهان تدوین ایدئولوژی مستقلی نبود. به‌واقع آنها در امر دین‌شناسی، تنها به مرجعیت نظر داشتند.<sup>۳</sup>

این جمعیت از سازمان‌دهی کارآمدی برخوردار بود و در طول سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶ پیام‌های امام خمینی ره را به سرعت در سراسر کشور توزیع می‌کرد. هیئت‌های مؤتلفه اسلامی با سازمان‌دهی مردم و هیئت‌های مذهبی برای شرکت در راهپیمایی‌ها و اعتصابات، در پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشت. پس از پیروزی انقلاب نیز این تشکیلات اسلامی همچنان در خط امام ره و انقلاب باقی ماند.<sup>۴</sup>

۱. پارسایان، حدیث پیمان، ص ۳۸۵.

۲. موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۳۶؛ ج ۱۱، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۳. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۶۰)، ص ۱۹۱.

۴. عبوسی، جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی، ص ۱۸۲.



دستاوردهای داخلی را بر مبنای هویت خواهی می توان در دو محور سیاسی و فرهنگی

بررسی نمود.

دست آورد های انقلاب در  
سطح داخلی

یک. دستاوردهای سیاسی

۱. سرنوشتی نظام شاهنشاهی و استقرار حاکمیت الهی

حاکمیت طولانی مدت نظام شاهنشاهی بر ایران، معیارهایی را بر این کشور حاکم ساخته بود که سعادت، عزت و سربلندی ملت در آن جایی نداشت. در فرهنگ مردم، نظام شاهنشاهی با زر و زور و تزویر، فساد، حق کشی و بی عدالتی و در یک کلام، ضدارزش ها مترادف بود. از یک سو، رژیم پهلوی به پندار حاکمیت ۲۵۰۰ ساله نظام شاهنشاهی بر ایران، حیات و دوام خود را سنت محتوم تاریخی می دانست و از سوی دیگر، سرمایه گذاری های آمریکا و غرب در ایران، رژیم شاه را چنان مقتدر و مسلح ساخته بود که هرگونه تصور تزلزل یا سقوط آن را ناممکن می ساخت. با این حال، انقلاب اسلامی در عینی ترین دستاورد خود، این نظام را درهم کوبید و نهال طیبه «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» را در این کشور نشاند.<sup>۱</sup>

نظام های رایج سیاسی در نظریه های اندیشمندان جهان ریشه دارد که در طول تاریخ بر اساس نیازهای مقطعی بدان دست یافته اند. برای نمونه، پس از تجربه قرون وسطا در اروپا و حاکمیت زورمدارانه کلیسا به نام دین، «لیبرال دموکراسی» غرب، راهکار کنار نهادن دین و ناکارآمد جلوه دادن آن را برگزید. در این رهگذر، با اثرپذیری اندیشمندان مسلمان از این نظریه، رفته رفته اسلام به مجموعه ای از احکام فردی بی تأثیر و کم محتوا بدل شد که در سرنوشت اجتماعی بشر هیچ نقشی نداشت. با انقلاب اسلامی ایران موضوع تقید به دین دیگر بار تأیید گردید و در بسیاری از اصول و فصول قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت. وضعیت تقید و تبعیت از قوانین الهی، نظام جمهوری اسلامی را درست در برابر نظام های فاشیستی می نشاند که در آنها، حکومت بر اخلاق و مذهب حاکم است.

۱. امین، «انقلاب اسلامی، پیامدها و راه آوردها»، فصلنامه صباح، ش ۲ و ۳.

دور نگاه داشتن مردم از مسائل و واقعیت‌های جامعه، از سیاست‌های رژیم‌های نامشروع است تا حیات خود را تداوم بخشند. رژیم پهلوی نیز با پیگیری این هدف می‌کوشید تا بینش اجتماعی و سیاسی مردم تعمیق نیابد و جامعه همچنان در بی‌خبری به سر برد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، افزایش آگاهی‌ها و تقویت بینش سیاسی مردم به‌عنوان اصلی مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سرلوحه برنامه‌ریزی‌های کشور قرار گرفت. بدین ترتیب، مردم به‌عنوان صاحبان اصلی انقلاب و ولی‌نعمت نظام، با دیدگاه‌ها و آرمان‌های خویش به یاری حکومت اسلامی شتافتند.

در بحث از مشارکت سیاسی در رژیم پهلوی، باید دانست که مردم جایگاهی نداشتند و نمی‌توانستند در سرنوشت خود دخالت کنند. رژیم سلطنتی با کودتا روی کار آمده بود و قوه مقننه شکلی فرمایشی داشت و اثری از مشارکت سیاسی مردم به‌چشم نمی‌خورد. انقلاب اسلامی ایران با تغییر این وضعیت، مردم را نسبت به سرنوشتشان حساس کرد و آنها را به مشارکت سیاسی فراخواند. کمتر از دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل نظام به همه‌پرسی گذارده شد و به فاصله کمی از آن، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی برگزار گردید؛ همه‌پرسی‌هایی که جملاگی نشان‌دهنده مشارکت سیاسی گسترده مردم بود. در طول سه دهه گذشته پس از پیروزی انقلاب به‌طور متوسط هر سال یک انتخابات در عرصه تصمیم‌گیری کشور برگزار شده که این بی‌شک دستاوردی مهم برای نظام جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید.

### ۳. استقلال و دگرگونی اصول سیاست خارجی

یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقلال سیاسی در کشوری است که به گواهی تاریخ، دست‌کم در دوران معاصر همواره زیر نفوذ قدرت‌های استعماری و بیگانه بوده است. پس از جنگ جهانی دوم و صف‌بندی بلوک غرب و شرق، آمریکا به صورت قدرت خارجی بی‌رقیب در عرصه سیاست و اقتصاد ایران درآمد؛ به‌گونه‌ای که سفیر آمریکا در ایران به نزدیک‌ترین مشاور شاه و دربار بدل گردید. امام خمینی ره در وصف دولت شاهنشاهی



یک مملکتی که استقلال ندارد و وابسته به غیر است و همه‌اش به عمل ایشان [= شاه] وابسته به غیر شده، به این نمی‌شود گفت یک مملکت متمدن.<sup>۱</sup>

آرمان استقلال طلبی مردم پیش از انقلاب در شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تبلور یافت و پس از پیروزی انقلاب نیز در کلام امام خمینی علیه السلام و متن قانون اساسی نمودار شد:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دُول غیرمحراب استوار است.<sup>۲</sup>

۱. دستاوردهای فرهنگی

۲. نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با تهاجم فرهنگی

رژیم پهلوی برنامه‌های آینده خود را برپایه نگره غربی بنا نهاده بود. در پرتو این سیاست، میارها و ارزش‌های غربی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران دکفرما شد و کشور به‌سوی فراموشی تاریخ گذشته و نفی ارزش‌های اسلامی پیش رفت. آگوی استعمار و استبداد بر «استحاله فرهنگی» ایران پایه‌ریزی شده بود و برای تحقق این هدف شوم، عرصه‌های گوناگون اجتماع مانند هنر و ادبیات، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، کتاب، سیستم آموزش کشور، مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، تحت سیطره ارزش‌های غربی درآمد. بدین‌سان، افکار عمومی به‌ویژه نوجوانان و جوانان در معرض تفرقه و تزویج ابتدال و اباحی‌گری قرار گرفت تا از این طریق هویت اسلامی - ملی به فراموشی

۱. موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۰۷.

۲. قانون اساسی، اصل ۱۵۲.

۳۶

انقلاب اسلامی که نخست یک انقلاب فرهنگی بود، با تعمیم خودباوری فرهنگی و گسترش شعائر دینی، زمینه را برای تقویت پایه‌های ایمانی مردم و پرورش نسل‌های خودباور فراهم نمود و ازسویی با عمومی کردن آموزش در سطح جامعه و افزایش سطح علمی دانش‌آموختگان، به رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار مردم - به‌ویژه جوانان - کمک کرد. افزون بر این، انقلاب اسلامی با دگرگون ساختن نگرش زن مسلمان نسبت به خود و محیط پیرامون خویش، او را به بازیابی جایگاه و نقش واقعی زنان ایرانی در خانواده و جامعه فراخواند.

### ۲. عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آنکه در تبلیغ رشد فرهنگی کشور و مبارزه با بی‌سوادی هیاهوی زیادی می‌شد، بسیاری از مردم ایران - حتی در شهرها - بی‌سواد بودند. در نظام جمهوری اسلامی نهضت مدرسه‌سازی رشد شتابنده‌ای یافت؛ آن‌گونه که هر ساله بیش از صد هزار متر مربع به فضای آموزشی کشور افزوده می‌شد. نهضت سوادآموزی در باسواد کردن میلیون‌ها نفر که از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند، موفقیت چشمگیری داشته است. در راستای همین رشد فرهنگی، قدرت ابتکار و خلاقیت مردم به ثمر نشست؛ به‌گونه‌ای که جهان هر ساله شاهد پیروزی‌های نخبگان ایرانی در رشته‌های مختلف در سطوح جهانی است.

### ۳. ارتقای جایگاه زن در اجتماع

یکی دیگر از دستاوردهای فرهنگی انقلاب، مشخص شدن جایگاه واقعی زن مسلمان در اجتماع و منزل بود. براساس خودباختگی فرهنگی و رواج ارزش‌های غربی در عصر پهلوی، هویت اسلامی زن مسلمان ایرانی مورد تهدید قرار گرفت. ازسویی در جامعه به تدریج فرهنگ برهنگی و بی‌عفتی رواج می‌یافت و از فعالیت‌های اجتماعی و سودمند زنان نیز کاسته می‌شد.

بارحیرتی اسلام در خصوص سیاست اجتماعی، سرچشمه‌ای است.  
اسلام و نیز احیای نقش جنبش‌های آزادی‌بخش.

### یک. دستاوردهای فرهنگی

#### ۱. ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی

انقلاب اسلامی توانست ضمن تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، کنش متقابل میان دو حوزه دین و سیاست را آشکار سازد و نوعی نظام سیاسی را رقم زند. این نظام، هم بر ویژگی‌های معنوی و سیاسی حاکم استوار بود و هم بر پیوند میان ارزش‌های اسلامی با ساختار یا روش مردم‌سالار تکیه داشت. چنین شیوه حکومتی که بر تطابق اسلام با مقتضیات زمان و احیای نظرات دینی درباره حکومت و دولت‌مداری متکی بود، هم بر شیوه جمهوری بودن حکومت و نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی تأکید می‌کرد و هم الگوی اسلام‌گرایی و ارزش‌های پایدار اسلامی (عدالت‌گرایی، خدامحوری و معنویت‌گرایی) را اساس نظام سیاسی می‌دانست.<sup>۱</sup>

چنین نظام سیاسی، هم‌زمان به نفی اسلام متحجر و قشری‌گرا و ازسویی به نفی سکولاریسم و لائیسیت‌پرداخت و توانست نظامی را به ارمغان آورد که مشروعیت آن بر پایه حاکمیت خدا و حقانیت ارزش‌های دینی است و مقبولیت آن نیز براساس اراده مردمی. به‌دست دادن نظریه مردم‌سالاری دینی ازسوی انقلاب اسلامی، گرایش به اسلام را در میان ملت‌ها تقویت نمود و بنیان‌گذاران حکومتی را تشویق کرد که بر اجرای اصول شریعت و تحقق عدالت اجتماعی تأکید می‌ورزد.

#### ۲. ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی و استکبارستیزی

یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی، حفظ استقلال و نفی کامل سلطه بیگانگان بر سرنوشت ملت ایران است. انقلاب اسلامی با ماهیتی مستقل و ضداستبدادی، فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری موجب برهم زدن تعادل بلوک‌های قدرت جهانی و به چالش کشیدن

۱. دهشیری، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۷ و ۸.

۳۸

نظم بین‌المللی سرزمین‌ها، بی‌...  
از نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی شد. بی‌تردید در انقلاب اسلامی توکل به خداوند، منشأ  
استقلال به‌شمار می‌رود.

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام مهم‌ترین بُعد استقلال، نفی هرگونه وابستگی به نیروهای  
خارجی است. به بیانی دیگر، هدف از استقلال، تصمیم‌گیری‌های کشور مبتنی بر منافع و  
مصالح کشور است. استقلال‌طلبی در انقلاب اسلامی موجب تقویت برابری دولت‌ها و  
حاکمیت‌ها، تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل و ازسویی سبب تضعیف  
سلطه قدرت‌های بزرگ بر منطقه خاورمیانه گردید. در واقع انقلاب اسلامی با افشای ماهیت  
سلطه‌گرانه و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه قدرت‌های بزرگ توانست بر اسطوره  
شکست‌ناپذیری آنان خط بطلانی بکشد و بستری مناسب را برای حرکت‌های مستقل و  
آزادی‌بخش (براساس خودآگاهی محرومان و مستضعفان) فراهم سازد.

انقلاب اسلامی هم‌زمان به مبارزه در دو جبهه استبدادستیزی و استعمارستیزی و نفی  
وابستگی پرداخت و همین امر موجب شد که فرهنگ استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی در  
سطوح مختلف مردم، دولت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش راه یابد؛ چراکه اساساً الگوی نظام  
سیاسی جمهوری اسلامی با دو الگوی رایج لیبرالیستی و سوسیالیستی مقابله می‌کرد و میانی  
سکولاریستی، اومانیستی و ماتریالیستی را به چالش می‌کشید. بدین‌سان، از جذابیت  
ایدئولوژی‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی به‌عنوان ایدئولوژی مبارزاتی ملت‌های آزادی‌خواه  
کاسته شد. بنابراین انقلاب اسلامی با گشودن جبهه سومی در نظام بین‌الملل توانست با نظم  
بین‌الملل مادی‌گرایانه به مقابله برخیزد و در میان ملت‌های جهان سوم نیز به فرهنگ‌سازی در  
زمینه‌های استقلال‌طلبی و استعمارستیزی مبادرت نماید.

### ۴. فرهنگ‌سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام

انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی  
مذهبی، درصدد برآمد تا میان ملت‌های مسلمان وحدت ایجاد کند و ازسویی پروژه امت‌سازی  
را عملی نماید. بی‌گمان این مهم بر باورهای اصیل اسلامی و نیز آیین‌ها و مراسم سنتی



دینی - از جمله حج ابراهیمی - اسوار بود. آرسویی - یسرین - بر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - ر - R  
دشمن مشترک و مبارزه با استکبار نیز تکیه داشت که خود نشان‌دهنده حساسیت مسلمانان نسبت به تحولات جهان اسلام و ضرورت ارتقای روح جمعی آنان بود؛ آن‌هم براساس مخالفت با سلطه قدرت‌های بیگانه، مبارزه با صهیونیسم و فسادستیزی.

در این راستا، احیای امت اسلامی برپایه قرآن و حدیث یا براساس تشکیل جامعه متحد اسلامی و پیوند دولت‌ها و ملت‌ها درمقابل اردوگاه شرق و غرب، آن‌هم با تقویت اندیشه مبارزه با صهیونیسم و بازسازی آرمان فلسطین، موجب توجه به همگرایی جهان اسلام شد (برای تأثیر بر نظام تصمیم‌گیری بین‌المللی) و ازسویی نیز سبب افزایش نقش دین گردید که بی‌شک اصلی اساسی در مدیریت تحولات جهانی به‌شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

#### ۴. احیای نقش جنبش‌های آزادی بخش

انقلاب اسلامی ایران با افزایش خودآگاهی مستضعفان و محرومان و احیای خودباوری، اعتماد به نفس و بیداری اسلامی در میان ملت‌های مسلمان توانست بر اهمیت جنبش‌های آزادی‌بخش - اعم از اسلام‌گرا و استعمارستیز - تأکید ورزد. جان‌ال. اسپوزیتو و جیمز پ. پیسکاتوری معتقدند انقلاب اسلامی بیش از آنکه به تلاش‌های انقلابی بینجامد، گرایش‌های از پیش موجود در کشورهای مسلمان را تقویت نمود، یا بدانها شتاب بخشید.

جنبش‌های آزادی‌بخش، بر آرمان‌های آزادی، عدالت اجتماعی، نفی دخالت قدرت‌های خارجی و ضرورت مدیریت پویا و منعطف تحولات سیاسی - اجتماعی تأکید داشتند. این مهم به‌ویژه در جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی اهمیت بیشتری یافت؛ چراکه آنها با سامان دادن نهضت بیداری اسلامی از پایین و با تأکید بر نقش ملت‌ها و قبول مسئولیت‌پذیری براساس مردم‌محوری، مرزهای ظاهری را درهم شکستند.<sup>۲</sup>

به سخنی دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نهضت بیداری اسلامی جان تازه‌ای

۱. همان.

۲. اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص ۵۰.

اسلام روس‌های محضی را پیس نرسدند. برخی از آنها سبب از سرین اسلام بهریر و مسلحانه درصدد نابودکردن رژیم حاکم‌اند و از این‌سو نیز هستند گروه‌هایی که شرایط فعلی را برای اقدامات مسلحانه مساعد نمی‌دانند، بلکه با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز - از قبیل شرکت در انتخابات پارلمانی - در پی تغییر نظام موجودند. در این میان، پاره‌ای از گروه‌ها نیز به هر دو روش پایبندند.<sup>۱</sup>

به‌طور کلی این گروه‌ها ضمن ابراز سازش‌ناپذیری ملت‌های خود با غرب، درصدد برآمدند تا اسلام را به صحنه مبارزاتی وارد کنند. آنها با استوار کردن حرکت‌های آزادی‌خواهانه برپایه آرمان‌های دینی و نیز با تلفیق بین اخلاق، دیانت و سیاست، در فرهنگ سیاسی ملت‌های خود تحولی شگرف ایجاد کردند که مشخصه‌های آن را می‌توان استقلال‌خواهی، عدالت‌محوری، حق‌گرایی، معنویت‌طلبی، اخلاق‌گرایی و تعامل میان دین و دولت دانست. جنبش‌های اسلامی مزبور در دو عرصه تجلی بیشتری یافت: یکی در عرصه فکری که به جنبش‌های اسلامی میانه‌رو، مسالمت‌گرا و فرهنگ‌محور شهرت یافتند و دیگری نیز در عرصه عملیات شهادت‌طلبانه و حرکت‌های جهادی که نمونه آن را می‌توان انتفاضه مردم مسلمان فلسطین دانست که با الگوپذیری از انقلاب اسلامی، قیامی فراگیر را در سراسر فلسطین اشغالی رقم زد.<sup>۲</sup>

## دو. دستاوردهای سیاسی در سطح بین‌المللی

### ۱. تأثیر بر شکل‌گیری برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی

برخی گروه‌های اسلامی - سیاسی، موجودیت خود را مرهون انقلاب اسلامی می‌دانند. این گروه‌ها خود بر دو دسته‌اند: برخی از یک جنبش اسلامی غیرفعال منشعب شده‌اند؛ مانند امل اسلامی که از امل، و جنبش جهاد اسلامی که از اخوان المسلمین فلسطین زاییده شد. در واقع بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه

۱. همان.

۲. دهشیری، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۷ و ۸.

مانند نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان. اگرچه دسته اخیر بیش از دسته نخست، مدافع انقلاب اسلامی است، همه این گروه‌ها در پیروی از رهبری انقلاب اسلامی و الگو قرار دادن آن اشتراک نظر دارند.

در این میان، برخی دیگر از گروه‌ها و جنبش‌ها متأثر از تجدید حیات اسلام - که از آثار انقلاب اسلامی ایران در قرن اخیر است - از حالت رکود و انفعال خارج شده و با نیرو و سازمان‌دهی جدیدی به مبارزه نظامی و سیاسی علیه حکومت و دولت‌های حاکم پرداخته‌اند؛ همچون حرکت اسلامی در بیت‌المقدس و الخلیل که پس از انقلاب اسلامی گسترشی خیره‌کننده یافت.<sup>۲</sup>

از دیگر گروه‌های سیاسی مهم، حزب‌الله است که بیش از هر گروه اسلامی - سیاسی دیگر تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. افزون بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری نیز موجب چنین تأثیر شگرفی شده است: یکی پذیرش رهبری انقلاب اسلامی در مقام رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب‌الله و دیگری نیز حمایت‌های ایران از آن. همچنین حزب‌الله از حیث اقتصادی و اجتماعی با اعطای کمک‌های تحصیلی به مستضعفان، توزیع داروی رایگان بین بیماران، تقسیم آب بین نیازمندان و ارائه خدمات درمانی به محرومان، به‌شدت فعال است. با این همه، حزب‌الله از لحاظ نظامی از اسلحه و جنگ جدا نیست، بلکه برپایه اصل جهاد همواره آماده پاسخگویی به حمله احتمالی دشمن مهبوبیستی است؛<sup>۳</sup> چنان‌که در جنگ ۳۳ روزه ۱۳۸۵، شاهد آن بودیم.

حزب‌الله لبنان در بُعد سیاسی نیز سخت از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته و برخلاف جنبش امل، رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و برپایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته است.<sup>۴</sup>

۱. شقایق، *انتفاضه و طرح اسلامی معاصر*، ص ۸۷ و ۸۸.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همان.

۴. شیرودی، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام»، *رواق اندیشه*، ش ۳.

۳



انقلاب اسلامی در کشوری رخ داد که ژاندارم آمریکا در منطقه خاورمیانه بود و به‌عنوان یکی از ستون‌های دکترین دو پایه‌ای نیکسون شناخته می‌شد. درحقیقت بعد از گرفتار شدن آمریکا در باتلاق ویتنام، وضعیت به‌گونه‌ای بود که امکان مداخله نظامی از سوی آمریکا مشکل به نظر می‌رسید. بنابراین نیکسون دکترینی را ارائه نمود که دو کشور در منطقه خاورمیانه حافظ منافع آمریکا در منطقه باشند: یکی ایران به‌عنوان پایه نظامی و ژاندارم آمریکا و دیگری عربستان سعودی به‌عنوان پایه اقتصادی این دکترین. بر این اساس هر جا که حرکتی علیه منافع آمریکا در منطقه اتفاق می‌افتاد، ایران می‌بایست به اعزام نیرو و سرکوب آن مبادرت می‌ورزید.

به بیانی دیگر، این انقلاب در کشوری روی داد که می‌بایست در مقابل حرکت‌های ضدغربی در منطقه واکنش نشان می‌داد، اما خود به کشوری ضدغربی بدل شد. ازسوی ایران پس از انقلاب، از پیمان سنتو که در راستای اهداف غرب بود، خارج شد. بنابراین با وقوع چنین تحولی در ایران و ایجاد خلأ قدرت در منطقه، راهبردهای منطقه‌ای ابرقدرت‌های جهان نیز تغییر یافت. آنچه در تغییر استراتژی‌های دو ابرقدرت تأثیر بسزایی داشت، وقوع انقلاب اسلامی در منطقه‌ای بود که اغلب کشورهای آن از نظر بافت جمعیتی و دیدگاه‌های فرهنگی و دینی، به ایران نزدیک بودند؛ نکته‌ای که غرب و شرق را از وقوع تحولات مشابه انقلاب ایران، سخت به هراس افکند.

بنابراین تأثیر رویداد انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی و همچنین طرح نظریه‌های جدید درباره حکومت و سیاست، هر دو ابرقدرت را برآن داشت تا برای حفظ منافع خود در خاورمیانه به مهار انقلاب ایران بپردازند و از هرسو آن را محدود کنند. مهم‌ترین این اقدامات، تحریک صدام - دیکتاتور سابق عراق - برای حمله به ایران و سپس کمک‌های عادی و نظامی فراوان به او بود.

اندیشه انقلاب اسلامی از یک سو مشکلاتی را از بُعد ایدئولوژیک برای شوروی سابق ایجاد نمود؛ چراکه اندیشه انقلابی ایران با وجود کنترل شدید سازمان‌های امنیتی، بر جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد جماهیر شوروی - که برخی از آنها هم‌مرز با ایران بودند -



دارد و بدین رو احتمال وقوع برخی مسدودت در این جمهوری - پیرو مسیر ایران  
سبب گردید رهبران اتحاد جماهیر شوروی راهبردهایی را برای مقابله با انقلاب ایران  
نکار گیرند. بنابراین در مبارزه با ایدئولوژی انقلاب ایران، هر دو ابرقدرت به باوری مشترک  
ببندند و آن مهار انقلاب ایران به هر شکل ممکن بود.

به هر روی، انقلاب اسلامی ایران دستاوردهای مختلفی در عرصه داخلی در حوزه‌هایی  
بین علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی، هسته‌ای و نظامی و در سطح نظام بین‌الملل همچون  
شکست مؤثر با سازمان‌های بین‌المللی و کشورها و عدم انزوای آن، عدم تأثیر تحریم برخی  
ابرقدرت‌ها، شکست پروژه‌های تحریم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، هسته‌ای و  
تأثیر در جنبش‌های بیداری اسلامی داشته است که در این فصل کوشیدیم تا دستاوردهای  
برهوت به هویت و استقلال کشور را به اختصار بازگوییم.

بکیده

۱. بحث از دستاوردهای انقلاب اسلامی موضوعی گسترده است که ابعاد سیاسی، اجتماعی،  
اقتصادی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد.

۲. از دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در سطح داخلی می‌توان به این موارد اشاره کرد:  
سرنوشتی نظام شاهنشاهی و استقرار حاکمیت الهی، افزایش آگاهی، بینش و مشارکت  
سیاسی مردم، استقلال و نیز دگرگونی اصول سیاست خارجی.

۳. برخی از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در سطح داخلی از این قرار است: نفی  
مظاهر فرهنگی غرب، عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه، ارتقای جایگاه  
زن در اجتماع و نیز ایجاد روحیه خودباوری.

۴. دستاوردهای مهم فرهنگی انقلاب اسلامی در سطح نظام بین‌الملل عبارت است از: ترویج  
فرهنگ مردم‌سالاری دینی، اشاعه فرهنگ استقلال‌خواهی و استکبارستیزی، فرهنگ‌سازی  
درباره وحدت تمدنی جهان اسلام و نیز احیای نقش جنبش‌های آزادی‌بخش.

۵. دستاوردهای مهم سیاسی انقلاب اسلامی در سطح نظام بین‌الملل نیز بدین قرار است:  
تأثیر بر شکل‌گیری برخی گروه‌های سیاسی و نیز تأثیر بر راهبرد قدرت‌های بزرگ.

۵۳

